

هو الله سبحانه و تعالى

- (1) همیشه مسند سلطنت و دارایی و تخت سیادت بخت معدلت و فرمانروایی ممالک فرنگستان بوجود کثیر الجود حضرت عالی رتبت رفیع منزلت سپهر مرتبت کیوان رفعت
- (2) مشتری سعادت ناهید بهجت بهرام صولت فریدون حشمت سکندر صلابت غضنفر مهابت پادشاه عالیجاه خورشید کلاه ستاره سپاه سرور سلاطین شوکت آیین عیسویّه سلطان الفضلاء (3) و الزّهایین المسیحیّه مسند نشین شریعت عیسوی صاحب تمکین سریر ملّت نصاری حزین اورنگ عظمت و اقبال شایسته سریر فضل و کمال مفسر آیات زبور و انجیل (4) سزوار شرایف تعظیم و تبجیل پادشاه ذی شوکت عالی شان فرمان فرمای ممالک فرنگستان حضرت روم پاپا¹ نهین و محلی باد بعد از تمهید قواعد محبت و دوستی و اظهار کمال مصادقت و (5) یکانکی مرفوع رای آفتاب انجلا و مشهود ضمیر منیر قراعتلا میگرداند که درین اوقات خجسته ساعات مکتوب محبت نشان و صحیفه مصادقت بنیان که مصحوب ایلچیان فرخنده بیان (6) اعنی فضیلت شعار عمده الفضلاء المسیحیّه فرنیس کویسته کشیش و سعادت و عزت آثار دیاوکو دهرنده بدینجانب ارسال داشته بودند در اعترزمان و اسعد اوان (7) وارد کشته مضامین مودت تزین آن که مشعر بر اظهار محبت و دوستی و وداد و تأکید مراسم خصوصیت و الفت و اتحاد بود خاطر نشان اشرف کشت و از فوای کتابت شریف و تقریر (8) دلپذیر ایلچیان فصیح البیان چنین معلوم کشت که دوستی و محبت ما در دل ایشان اثر کرده و اظهار ایمنی که در مراسله نامی و صحیفه کرامی شده محض صدق و صدق محض است بر ضمیر منیر ظاهر است که (9) در زمان پیش هرگز میانه پادشاهان ایران و سلاطین فرنگستان طریقه باز کشت نبوده و با یکدیگر الفت و آشنایی نموده اند بجهت آنکه دوستی ایشان در دل ما اثر کرده بود پیش

از آنکه (10) از جانب ایشان اشعاری شود و اظهار محبت و دوستی نمایند نواب همایون ما باعث و بادی این امر شده فتح ابواب مراسله و دوستی کرده ایلچی بخدمت شریف فرستادیم حالاکه ایشان از دل و جان (11) دوست و معتقد ما شده اظهار دوستی و محبت کرده اند ما نیز بیشتر از پیشتر دوست ایشانیم و میخواهیم که همیشه میانه ما و حضرات پادشاهان فرنگیه قواعد الفت و آشنایی و روایت خصوصیت و دوستی حریمی و (12) مسلوك بوده باشد و روز بروز دوستی ما و ایشان زیاده گردد و همواره ابواب آمد شد طبقه مسیحیه باین دیار مفتوح بوده باشد و ایغنی بر ما ظاهر است که آن پادشاه عالیجاه بزرگ و (13) سرور جمیع سلاطین مسیحیه اند و بجهت فضل و کمال و شوکت و بزرگی که در میانه سلاطین فرنگیه دارند همگی پادشاهان مسیحیه آن سلطان مسند شریعت عیسوی را دوست میدارند و اطاعت مینمایند (14) ما نیز بیشتر از ایشان آنحضرت را بزرگ میدانیم و دوست اویم و اصلا از رضا و صلاح آنحضرت تجاوزی نداریم و در اعزاز و احترام جماعت کرستان و رعایت و مراقبت طبقه مسیحیه که بمالک محروسه (15) تردد و آمد شد مینمایند دقیقه فرو گذاشت میفرماییم و جماعت کرستان که در ینولایت اند همگی بفریاد خاطر در معابد خود بطاعت و عبادت حضرت پروردگار عالمیان مشغول اند (16) و حرمت و عزت ایشان بیشتر از مردم خود میداریم یحتمل که حقیقت این حال از تجار و مترددین فرنگیه بسمع شریف رسیده باشد و ایلچی ایشان نیز که بملازمت عالی میرسد معروض خواهد داشت که (17) نواب همایون ما چه مقدار رعایت جانب مسیحیه میفرماییم و درین اوقات که پادریان عظام اعنی قدوتی ارباب السلوك و الرهایین فرنتونی و فرکایتو و فرجران از جانب اعلیحضرت والا رتبت پادشاه جمجاه (18) خورشید کلاه گردون بارگاه انجمن سپاه¹ دان فلیب پادشاه اسپانیه² بد ینجانب آمده بودند مقدم ایشانرا عزیز و کرامی داشته آنچه لازمه اعزاز و احترام بود نسبت بدیشان بجای آوردیم و الحق اطوار ایشان بغایت سنجیده و (19) سلوك ایشان پسندیده بود و آنچه قاعده و طریق دین و آداب کیش و آیین ایشان بود بجای آورده در مراسم طاعت و عبادت بسیار مجد و ساعی

و در کمال زهد و دینداری و غایت صلاح و تقوی و (20) پرهیزکاری بودند و چون از دنیا گذشته بودند هرچند تکلیف اسباب و جهات دنیایی بدیشان نمودیم و آنچه بایشان شفقت میکردیم اصلاً قبول نکردند فرزندونی پادری را (21) باز کردانیده نزد امارت و شجاعت شعار سلطان البخارا بوزره حاتم کووه³ فرستادیم و فرکیتو و فرجران در خدمت نواب همایون ما و منظور انظار شفقت و عا طفت اند (22) چون قبل ازین ایلچی بخدمت شریف فرستاده ایم و شرح حالات اینجایی و قرارداد خاطر محبت تأثیر همایون ما و محبت و دوستی که پادشاهان عظیم الشان فرنگستان بتخصیص آن پادشاه عالیجاه (23) رفیع الشان داریم مصحوب ایلچی مذکور بخدمت شریف اعلام نموده ایم و در نامه محبت آیین آنحضرت قلمی شده بود که هنوز ایلچی ما بخدمت ایشان نرسیده لهذا درینولا سعادت و عزت قباب دیاوگو دمزندها (24) باتفاق سعادت ایاب بسطام قلی بیک که از ملازمان اعتمادی نواب همایون ماست روانه ملازمت سامی کردانیدیم و عمدت الفضلایی فرنیسیس کوسته کشیش در خدمت اشرف توقف دارد که (25) انشا¹ الله تعالی⁴ چون ایلچی ما که قبل ازین فرستاده ایم معاودت نماید آنچه مصحوب او قلمی فرموده باشند و سفارش شده باشد بعمل آورده بعد از اطلاع بر کماهی حالات و اوضاع آنجایی (26) و قرارداد خواطر حضرات سلاطین فرنگیه آنچه در هر باب مصلحت بوده باشد چنان فرموده کشیش مذکور را روانه خدمت شریف خواهیم فرمود و مطلقاً از رضا و صلاح ایشان تجاوزی نداریم

(27) چون غرض منحصر بود زیاده اطباب نرفت عواقب امورشان بخیر و خوبی